

عید غدیر خم



در سال دهم هجرت پیامبر (ص) از طرف خداوند مأمور شدند تا دو مسئله مهم دین اسلام را به مردم ابلاغ نمایند و آن دو مسئله عبارت بودند از حج و ولایت و خلافت دوازده امام (ع). پس از این اعلان مردم با عجله آماده خروج از مکه شدند. بعد از اینکه افراد به محل غدیر خم رسیدند پیامبر بر روی منبری که در زیر درخت کهنسالی که در آنجا بود ساخته بودند رفت و سپس دستور داد تا امیرالمومنین (ع) را فراخوانند و دستور دادند بالای منبر پیامبر و دست راست آن حضرت بایستد، پس پیامبر منتظر ایستادند تا مردم کاملاً جمع شدند و آنگاه خطابه رسمی خود را بیان نمودند.

ایشان در اثنای خطبه دو عمل را انجام دادند، در ابتدا پس از مقدمه چینی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیرالمومنین (ع) برای اینکه هرگونه شک و شبهه‌ای را برطرف نموده باشند پس از شرح مقام ولایت به صورت لسانی حضرت علی (علیه السلام) را جانشین خود خواندند و آن را بدینگونه عنوان کردند که: «باطن قرآن و تفسیر آن را برای شما بیان نمی‌کند مگر این که کسی که دست او را می‌گیرم و او را بلند می‌کنم و بازویش را گرفته و او را بالا می‌برم» سپس حضرت بازوان علی (ع) را گرفتند سپس فرمودند: «هر کس من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست». و اقدام عملی دوم حضرت پیامبر، بیعت گرفتن از مردم بود، چون زیاد بود و گرفتن بیعت از آن جمعیت انبوه غیرممکن بود لذا ممکن بود که افرادی به بهانه‌های مختلف از بیعت شانه خالی کنند، حضرت فرمودند به خاطر ازدحام جمعیت امکان بیعت گرفتن از همه وجود ندارد این سخن را که من می‌گویم تکرار کنید و بگویید: «ما فرمان تو را از جانب خداوند که درباره علی بن ابیطالب و امامان و مریدانش به ما رساندی اطاعت می‌کنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستان با تو بر این مدعا بیعت می‌کنیم. عهد و پیمان در این باره برای آنان از ما از قلب‌ها و جان‌ها و زبان‌ها و ضمائر و دستانمان گرفته شد. هر کس با دستش توانست و گرنه با زبانش بدان اقرار کرده است.»

وقتی کلام حضرت پایان یافت همه مردم سخن ایشان را تکرار نمودند و بدینوسیله بیعت عمومی گرفته شد. در مراسم بیعت، پیامبر (ص) عمامه خود را که «سحاب» نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیرالمومنین (ع) قرار دادند.

ادعای منافقان و دشمنان علی مبنی بر اینکه هدف از مراسم غدیر، اعلان دوستی حضرت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) به علی(علیه‌السلام) است:

پیامبر زمانی که صحابه جمع شدند تا ایشان خطبه غدیر و مراسم غدیر را اجرا کنند و فرمودند: «ای مردم من علی را دوست دارم!» و چند بار این جمله را تکرار نمودند و سؤالی که مطرح می‌شود این است که آن حادثه‌ای که پیامبر می‌خواست مردم ببینند و آن را به گوش دیگران برسانند آیا به این علت بود که پیامبر علی را دوست دارد؟ آیا چنین حرکتی از یک انسان عادی قابل قبول است؟ و آیا حرکتی بیهوده نبوده است؟ و مگر مسلمانان نمی‌دانستند که پیامبر را دوست دارد؟ ولی می‌توان این موضوع را اینگونه پاسخ داد که اگر روز غدیر تنها برای ابلاغ دوستی بود، پس چرا جبرئیل، آن فرشته بزرگ وحی بیاید و رسول خدا را از پیام وحی آگاه کند و چنانکه خود شخص رسول خدا (ص) فرمودند: همانا جبرئیل که درود خدا بر او باد سه بار بر من نازل شده و سلام خدا را رساند، و فرمود که در این مکان (غدیر خم) توقف نمایم، و به سیاه و سفید شما اعلام کنم که علی بن ابیطالب وصی و جانشین و پیشوای شما بعد از من است، جایگاه او نسبت به من، مانند هارون نسبت به موسی پیامبر است، با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد آمد، علی(ع) پس از پیامبر، رهبر شماست، و خداوند بزرگ آیه‌ای در قرآن در همین مسئله نازل فرموده که: همانا رهبر و سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی که ایمان آوردند و نماز را به پای دارند، و در حال رکوع زکات پردازند. همانطور که می‌دانیم علی(علیه‌السلام) نماز را به پاداشت، و در حال رکوع زکات پرداخت و در هر حال خدا را می‌طلبید و اگر هدف آن حضرت تنها اعلان دوستی با علی(علیه‌السلام) بوده، پس چرا آیه نزول آیه ۵۵ سوره مائده (بلغ ما انزل الیک) به اعلام رهبری امام علی(علیه‌السلام) ارتباط دارد که در این آیه خداوند می‌فرماید: ای رسول خدا آنچه درباره علی از طرف خدا بر تو نازل شد، ابلاغ کن یعنی رهبری علی(علیه‌السلام) بر امت اسلامی را به مسلمانان بازگو و چرا در سخنرانی خود، امامت و وصایت امام علی(علیه‌السلام) را آشکارا بیان نمود.

خطابه‌های قبل از غدیر

اولین خطابه حضرت رسول در منا بود. این خطبه اشاره به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر مال، و جان و آبرو داشت، سپس آن حضرت خونهای به ناحق ریخته شده و اموال به ناحق گرفته شده در دوران جاهلیت را بخشیدند تا بدین وسیله کینه‌توزی‌ها از بین برود، و سپس در این خطابه فرمودند: «اگر من نباشم علی بن ابیطالب در مقابل متخلفین خواهد ایستاد» و سپس ایشان حدیث ثقلین را بیان فرمودند «من دو چیز گرانبها در میان شما باقی می‌گذارم که اگر به این دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم.»

دومین خطابه را حضرت در مسجد حنیف در منا فرمودند: ایشان در این خطبه به اخلاق عمل، دلسوزی برای امام مسلمین و تفرقه نینداختن سفارش فرمودند و تساوی همه مسلمانان در برابر حقوق و قوانین الهی را اعلام کردند.

غدیر از نظر اهل بیت علیه السلام

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) فرمودند: روز غدیر خم برتر اعیاد امت من است و آن روزی است که خدای متعال به من امر فرمودند تا برادرم علی بن ابیطالب (علیه السلام) را به عنوان علم (هدایت) برای امتم معرفی کنم، تا پس از من به وسیله او هدایت شوند.

می فرمایند: ایشان در سالی که روز جمعه و عید غدیر در یک روز افتاده بود فرمودند: امروز، (حضرت علی (علیه السلام) روزی بس بزرگ است. امروز روز کامل شدن دین است، امروز روز عهد و پیمان است. امروز، روز بیان حقایق ایمان است. امروز روز راندن شیطان است.

حضرت فاطمه زهرا (س): محمد بن لیبید گوید: روزی به حضرت فاطمه (س) عرض کردم، آیا رسول خدا بر امامت علی (علیه السلام) تصریح فرمودند: حضرت فرمودند: و اعجابا، آیا روز غدیر را فراموش کردید! امام حسن مجتبی: در سال ۴۱ هجری، زمانی که امام حسن مجتبی (علیه السلام) می خواست پیمان صلح را با معاویه منعقد کند خطبه ای خواندند که در ضمن آن خطبه فرمودند: این امت، جدم (صلی الله علیه و اله) را دیدند و از او شنیدند، که دست پدرم را در غدیر خم، به دست گرفت و به آن ها فرمود: (من كنت مولاة فعلى مولاة، اللهم و ال من والاة و عاد من عاداه، سپس به آن ها امر فرمود که حاضران به غایبان بگویند.

روزی که مورد لعن قرار گرفت، امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: ابلیس چهار روز از سر ضعف و عجز ناله سرداد روزی که به زمین فرستاده شد، روزی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) به نبوت مبعوث شد، و روز عید غدیر خم.

در کتاب ثواب الاعمال روایتی به نقل از قاسم بن یحیی از پدر بزرگش حسن بن راشد آمده که گفته است: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم آیا برای مسلمانان عید دیگری جز فطر و قربان وجود دارد؟ فرمود: ای حسن! آری، عیدی که از این دو عید شریف تر و برتر است. گفتم: آن کدام است؟ فرمود: روزی که امیرالمومنین برای مردم به عنوان نشانه هدایت برگزیده شد. پرسیدم: کدام روز هفته بوده است؟ فرمود: روزی در سالها تغییر می کند، آن روز هجدهم ذی حجه است گفتم: فدایت شوم، برای ما چه کاری شایسته است که در آن روز انجام دهیم؟ فرمود: ای حسن! آن روز را روزه بگیر و فراوان بر محمد اهل بیت او درود فرست و به پیشگاه خداوند از آنان که بر ایشان ستم کرده اند و منکر حق آنان شده اند، بیزاری بجوی! و پیامبران گذشته به اوصیای خود سفارش می کرده اند که این روز را عید بگیرند. حسن بن راشد می گوید گفتم: برای کسی از ما که آن روز را روزه ندارد چه پاداشی است؟ فرمود: معادل شصت ماه روزه گرفتن.

یکی از سؤالاتی که در مورد غدیر مطرح می‌شود این است که آیا این ماجرا یک حرکت دفعی بوده یا در مورد آن تصمیم گرفته شده است؟ و یا اینکه اصلاً بحثی در این رابطه بوده و در سرزمین (حجفه) یک مرتبه به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله) وحی نازل شد که علی (علیه‌السلام) را به‌عنوان جانشین خود انتخاب کن در غیر این صورت اصلاً دین را تبلیغ نکرده‌ای، کدام یک از این دو دیدگاه درست است؟ به احتمال زیاد دیدگاه دوم صحیح است و این چنین نبوده که در غدیر و یک مرتبه و بدون هیچ به سابقه‌ای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و آله) وحی شده باشد که علی (علیه‌السلام) را به‌عنوان جانشین خود معرفی کن و اگر معرفی نکنی دین را تبلیغ نکرده‌ای. خیر این‌گونه نبوده‌است زیرا سابقه جانشینی علی (علیه‌السلام) به زمان اعلان رسمی و علنی دین اسلام برمی‌گردد و از زمانی که آیه مبارکه (و انذر عشیرتک الاقرین) نازل شده که طبق آن پیامبر مأمور شدند تا بستگان خود را جمع و آن‌ها را با دعوت و سخن خود آشنا نماید، در همان روز جانشینی علی (علیه‌السلام) اعلام شده و از آن پس هم حضرت رسول در طول دوره نبوت خود بارها موضوع جانشینی حضرت علی (علیه‌السلام) را مطرح کردند. و در این مورد اسناد بسیار معتبری داریم که حتی برخی از محققین اهل سنت هم به آن اذعان می‌کنند. به‌عنوان مثال: عمران بن حصین می‌گوید: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله) فرمودند: به درستی که علی از من است و من هم از او هستم، و او ولی هر مؤمن است بعد از من.

معجزه غدیر:

واقعه عجیبی که به‌عنوان یک معجزه تلقی می‌شد در روز عید غدیر اتفاق افتاد و آن ماجرای «حارث فهوی» بود. در آخرین ساعات از روز سوم، او با ۱۲ نفر از اصحابش نزد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و آله) آمد و گفت:

«ای محمد! سه سؤال از تو دارم: آیا شهادت به یگانگی خداوند و پیامبر خود را از جانب پروردگارت آورده‌ای یا از پیش خود گفتی؟ آیا نماز و زکات و حج و جهاد را از جانب پروردگار آورده‌ای یا از پیش خود گفتی؟ آیا اینکه درباره علی بن ابیطالب گفتی: «من کنت مولاه فعلی مولاه...» از جانب پروردگار بود یا از پیش خود گفتی؟

حضرت در جواب هر سه سؤال فرمودند: «خداوند به من وحی کرده است و واسطه بین من و خدا جبرئیل است و من «اعلان کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه پروردگارم خبری را اعلان نمی‌کنم».

حارث گفت: خدایا، اگر آنچه محمد می‌گوید حق و از جانب توست سنگی از آسمان بر ما بار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست «سخن حارث تمام شد و به راه افتاد. خداوند سنگی از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد شد و از دبرش خارج گردید و همانجا او را هلاک کرد. بعد از این جریان، آیه «سال سائل بعذاب واقع، للکافرین لیس له دافع...» (سوره معارج، آیه ۲۱) نازل شد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و آله) به اصحابشان فرمودند: آیا دیدید و شنیدید؟ گفتند آری. با این معجزه، بر همگان مسلم شد که «غدیر» از منبع وحی سرچشمه گرفته و یک فرمان الهی است.

روز غدیر به فرموده امام جعفر صادق (علیه السلام) بزرگترین و از بهترین اعیاد اسلامی است. غدیر عیدی است که از تمام اعیاد عظمت و شرافت و فضیلت و حرمتش بیشتر است. در این روز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) به امر پروردگار حضرت علی (علیه السلام) را به امامت و خلافت پس از خود منصوب فرمودند و به نص قرآن کریم در چنین روزی اکمال دین و اتمام نعمت الهی بر مسلمانان گردید و به فرموده امام صادق (علیه السلام) لازم است در چنین روز با عظمتی جشن و سرور به پا نمایند و به دیدار یکدیگر بروند و تبریک و تهنیت بگویند.

بعضی از جهات حکم غدیر را می توانم این طور بیان کنم که

- ۱- خطاب خداوند که «ای پیامبر ابلاغ من آنچه از طرف خداوند بر تو نازل شده که اگر ابلاغ نکنی رسالت خود را نرسانده ای که در هیچ یک از فرامین الهی چنین مطلبی گفته نشده است.
- ۲- اقرار گرفتن های حضرت رسول از مردم در روز غدیر.
- ۳- مسئله امامت فقط صورت یک خبر و پیام و خطابه ابلاغ نشده بلکه به عنوان حکم و فرمان الهی و بیعت عموم مسلمانان و تعهد آنان اجرا شد.

۴- خطاب خداوند که فرمودند: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم» که تا آن روز مشابه آن را هم در هیچ موردی نفرموده بودند.

مقاصد حضرت رسول از خطبه غدیر را در چند مورد می توان بیان کرد

- ۱- نتیجه گیری از زحمات ۲۳ ساله با تعیین جانشینی که ادامه دهنده این راه باشد.
- ۲- حفظ دائمی اسلام از کفار و منافقین با تعیین جانشینانی که از عهده این مهم بر آیند.
- ۳- اقدام رسمی برای تعیین خلیفه که از نظر قوانین ملل در همیشه تاریخ سندیت دارد.
- ۴- بیان یک دور جامع از برنامه ۲۳ ساله و گذشته و حال مسلمین.
- ۵- ترسیم خط مشی آینده مسلمین تا آخر دنی.

۶- اتمام حجت بر مردم که از مقاصد اصلی در ارسال پیامبران است